یادداشت

آلمان را در سیاست خارجی دریابید

حامد نیک‌پی

ایران کشوری بزرگ، برخوردار از منابع عظیم انرژی و بازیرگی قدرتمند به‌لحاظ سیاسی، امنیتی و اقتصادی در خاورمیانه است. درحالی‌که بی‌ثباتی در این منطقه عمق و گستره وسیعی دارد، ایران ضمن توجه به امنیت منطقه درصدد است با حفظ ثبات و امنیت داخلی، جذب سرمایه‌های خارجی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین بر موانع رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی غلبه کند. ایران در زمینه رهایی از وابستگی و اقتصاد تک‌محصولی، خود را ناگزیر می‌داند که تلاش جدی و مؤثری در توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی انجام دهد. از نگاه ایران، این تلاش‌ها باعث تقویت اقتصاد ملی و خودباوری در حوزه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی- امنیتی خواهد شد. این کشور با استفاده از نیروی انسانی متخصص خود در حوزه‌های مختلف کشاورزی، صنعتی، انرژی و با گسترش همکاری‌ها و روابط با کشورهای توسعه‌یافته صنعتی، می‌تواند زیرساخت‌های لازم را در راستای صنعتی‌شدن و رهایی از اقتصاد نفتی مهیا کند. برای تحقق این امر مهم، برقراری تعاملات گسترده اقتصادی با آلمان می‌تواند به‌عنوان کامی مؤثر مورد توجه قرار گیرد که البته شرط نخست آن، غلبه بر موانع سیاسی و چالش‌های سیاست خارجی است. در این صورت، با توجه به ایران و روسیه نیز تحول جدی یافته است. به این معنا که سطح کنونی روابط و تعاملات بین دو کشور با پیش از این قابل مقایسه نیست. همین واقعیات است که موجب شد طرح آمریکا در زمینه تمدید تحریم تسلیحاتی ایران با شکست مفتضحانه‌ای روبه‌رو شود.

★ دلیل این اتفاق را چه می‌دانید؟ برچام، سرکارآمدن آقای روحانی یا چرخش آقای پوتین؟

در بررسی یک تحول سیاسی و بین‌المللی به دلایل و عوامل مختلفی باید توجه کرد؛ نگاهی بیندازیم به عرصه بین‌الملل. منطقه و روابط دو کشور در دو بازه زمانی یکی دهه اول و اوایل دهه دوم هزاره سوم میلادی و بازه دوم سال‌های پس از آن تا اکنون. در بازه اول در سکوت نسبی روسیه و چین جنگ علیه عراق راه‌اندازی شد. ائتلاف غربی به لیبی حمله کرد و جنگ در سوریه آغاز شد و ائتلاف غربی امیدوار به سرنگونی رژیم این کشور بود. در همین دوره قطع‌نامه‌ها علیه ایران تصویب شد و قرارداد فروش اس-۳۰۰ به ایران متوقف شد. اما در سال‌های پس از آن شرایط در همه ابعاد تغییر کرده و امکان اجماع بین‌المللی و حتی منطقه‌ای نیز فراهم نشده است. به این معنا که تغییراتی در غرب رخ داده و توازنی به نفع شرق در نظام بین‌الملل در جریان است که بدون اینکه لازم باشد مبالغه کنیم در حال وقوع است. بخشی از این تغییر نیز ناشی از شکست طرح‌های جنگ‌طلبانه و یکجانبه‌گرایانه آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا بوده است؛ یعنی غرب که یک نوع هژمونی در نظام بین‌الملل داشته با بحران‌های خیلی متعددی درگیر است و شرق که با مشکلات فراوانی درگیر بوده به‌سرعت در حال رشد در چارچوب نظام بین‌الملل است و در این چارچوب هم جسارت کشورهای شرقی در عرصه بین‌المللی بیشتر شده است. اکنون روابط روسیه و چین و حتی اروپا نیز با آمریکا تنش‌آلود است. ضمن اینکه در غرب هم شکاف‌های بسیاری ایجاد شده است. غرب به‌معنای یک کلیت در عالم واقع‌آن‌طور که گفته بود، وجود ندارد. تاکید من شکم رفتار ترامپ در تسریع این روند بسیار مؤثر بوده است. اما روابط ایران و روسیه هم متحول شده. اگر در هر عرصه چند نمونه بگویم، در عرصه نظامی دو کشوری که نسبت به هم بسیار محتاط بودند، عملیات مشترک علیه تروریسم در منطقه انجام دادند و به شکلی می‌شود گفت مانع اجرای طرح خاورمیانه‌آرامکو شدند. اگر در چارچوب دفاعی نگاه کنیم، دو کشوری که همکاری‌های دفاعی‌شان از اندازه زیادی تحت تحریم‌ها متوقف شده بود، قرارداد اس-۳۰۰ را اجرائی کردند و همکاری‌های دفاعی‌شان هم وزنه قوی‌تر در حوزه سازمان‌های بین‌المللی، تعامل ایران و روسیه به جایی رسیده که مسکو برای اولین‌بار از نوع به نفع ایران برای جلوگیری از صدور قطع‌نامه درباره پمپ استفاده کرد.

آلمان به‌عنوان یک کشور مدرن صنعتی و برخوردار از زیرساخت‌های اقتصادی مطمئن، نقش تاثیرگذاری در سیاست کلی اتحادیه اروپا دارد. تاثیرگذاری اقتصاد و صنعت آلمان بر اقتصاد اروپا و جهان، موجب به‌قدرت‌رسیدن آلمان به‌عنوان یک کشور تاثیرگذار در تصمیم‌گیری‌های جهانی شده است. به موجب پیمان ماستریخت، آلمان از کشورهای مؤسس اتحادیه اروپایی و امروزه گرداننده اصلی امور این اتحادیه است. همین امر موجب قدرت عملیاتی گسترده‌ای در سطح جهانی برای این کشور شده است. آلمان به‌عنوان یک کشور صنعتی باعث هم‌گرایی اقتصادی در اتحادیه اروپا تلقی می‌شود که چه‌بسا ارزش پول واحد اروپا، یورو، براساس پول ملی آلمان، مارک سنجیده می‌شود و مقر بانک مرکزی اروپا، مجری به‌جریان‌افتادن یورو، در شهر فرانکفورت است.

آلمان از نظر سیاسی و اقتصادی از توانمندی‌های بالایی در سطح جهانی برخوردار است.

ادامه در صفحه ۷

مهدی سنایی، استاد دانشگاه تهران و سفیر سابق ایران در روسیه:

نباید بار سیاست خارجی را بر دوش دوستانمان بگذاریم

بدون تردید روسیه با صدور هرگونه قطع‌نامه تحریمی علیه ایران مخالف است

زینب اسماعیلی‌سیوری

عکس: سهیلا شکیبی شرق

مهدی سنایی اواخر زمستان گذشته بعد از دوره‌ای طش‌شاه از سمت سفارت ایران در مسکو کنار رفت؛ درحالی‌که ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که او سفیر موفقی بوده است. موفقیت و تلاش فراوان او در بهبود روابط و شناساندن ایران به روسیه، همزمان بود با بهبود چشمگیر رابطه ایران و روسیه. تعدد سفرها و ملاقات‌ها و هماهنگی بین مقامات دو کشور نشانه‌ای از بهبود چشمگیر رابطه ایران و روسیه در دولت حسن روحانی است که تا پیش از آن در شرایطی نه‌چندان خوشایند قرار داشت. در این دوره، دو مورد همکاری ویژه بین ایران و روسیه به چشم می‌خورد که تا پیش از آن، بی‌نظیر بوده است؛ اولی شراکت سومه در گروه ۵+۱ و دستیابی به توافق هسته‌ای بود که پیش از آن حتی مسکو به دو قطع‌نامه تحریمی علیه ایران رای داده بود. اما این همکاری بعد از مذاکرات و برجام، حتی با خروج آمریکا از برجام نیز ادامه یافت و دست از همکاری برنداشت. دومین شراکت، همکاری ایران، روسیه و ترکیه در حل بحران سوریه بود که همچنان ادامه دارد. این همکاری استراتژیک در منطقه خاورمیانه یک نقطه عطف بود که توانست دولت بشار اسد را به آب‌دردرکیان بحران نورویم. تجزیه و آنبوب بود.

به سازمان ملل مخالفت روسیه با طرح تمدید را اعلام کرد. قطع‌نامه‌ای با هر شیوه‌ای که به دنبال تمدید تحریم تسلیحاتی ایران باشد، حتما مورد مخالفت چین و روسیه قرار خواهد گرفت.

★ اگر قید و شرط زمان بر قطع‌نامه‌ای مترتب کند، چطور؟

نه‌تنها مخالفت روسیه و چین قطعی است بلکه جمع‌کردن ۹ رای موافق اصلا برای آمریکا دشوار است اما همه تلاشش را به این منظور به کار خواهد گرفت؛ از جمله با خلاصه و کمرنگ‌کردن طرح پیشنهادی. آمریکایی‌ها پرونده‌های مختلفی را به سمت شورای امنیت می‌برند و در آستانه انتخابات، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا نیاز به موفقیتی هرچند اندک در رابطه با ایران در چارچوب بین‌المللی دارد. علاوه بر تمدید تحریم تسلیحاتی، تلاش خواهند کرد آژانس پرونده ایران را به شورای امنیت بفرستد. هم پرونده ابداعی آرامکو را آماده کرده‌اند و هم مدعی استفاده از سیستم ماشه برای بازگرداندن تحریم‌های قبلی هستند. روسیه در بحث تمدید تحریم تسلیحاتی ایران و دیگری هم حفظ برجام مواضع روشن و شفافی دارد. منتها در مجموعه این مباحث و تکرار طرح‌ها در شورای امنیت با توجه به تلاش‌های بی‌ثمرانه آمریکا باید دقت کرد که کشورهایی دیگر مثل چین و روسیه قاعدتا در استفاده مکرر از حق وتو با محدودیت‌هایی مواجه هستند. روس‌ها علاقه‌مندند حتما تعامل ایران و آژانس محفوظ بماند و کار به مسیرهای دشوار کشیده نشود. بنای کلی روسیه و حتی چین بر عدم مشارکت و جولیگری از وضع هرگونه تحریم جدید در چارچوب شورای امنیت است.

★ روسیه هم مثل هر کشوری، منافع و ملاحظاتی با کشورهای دیگر از جمله آمریکا دارد. موضعی که ایران نسبت به آمریکا دارد، قطعا مشابه موضع روسیه با آمریکا نیست. انتخابات آمریکا را در پیش داریم و بحث‌هایی که از چهار سال قبل بازمانده اما مبهم مانند نفوذ روسیه در انتخابات آمریکا. شما این نگرانی را ندارید که روسیه با اکثیر و نوامبر که موعد لغو تحریم تسلیحاتی ایران و انتخابات آمریکا است، با واشنگتن وارد معامله‌ای بر سر ایران شود؟

روابط ایران و روسیه در شرایط حاضر آن‌قدر اعتمادآمیز هست که دو کشور به هم در عرصه‌های بین‌المللی کمک کنند و اگر مواضع روسیه را در بحث برجام و مسائل مربوط به ایران مرور کنید، مواضع خیلی روشن و شفافی است. از طرفی هم روابط آمریکا و روسیه بسیار روابط تنش‌آلودی است. در دوره اول اوباما برنامه ری‌استارت طراحی شد که خطوط قرمز و خطوط دیگر تعیین شد و به سرانجامی نرسید.

نهایتا در دوره دوم اوباما، آمریکا و روسیه روابط بسیار محدودی داشتند؛ به حدی که محورهای فعال در روابط آمریکا و روسیه به صفر نزدیک شد. الان هم هیچ عنصر فعالی در نظام روابط روسیه و آمریکا نیست. تلاش‌هایی شد اما به سرانجام نرسید. الان گفت‌وگویی نبینید شکل گرفته برای تمدید قرارداد محدودکردن تسلیحات راهبردی که آینده روشنی هم ندارد. در پاسخ پرسش شما می‌توانم بگویم طبیعتی روسیه علاقه‌مند است عدم تمدید تحریم‌های ایران بدون گذاشتن بار اضافی بر روابطش با آمریکا و با مشارکت سایر کشورها انجام شود و حداکثر ممکن است دنبال چنین مکانیسمی باشد؛ مانند اتفاقی که چند روز پیش در زمینه طرح آمریکا در شورای امنیت رخ داد. پیشنهاد روسیه برای تشکیل مجازی سیاست‌های سازمان امنیت شورای امنیت با حضور ایران و آلمان نیز در همین چارچوب قابل ارزیابی است.

★ به نظر می‌رسد هر دو به قطب خودشان برگشته‌اند و حوزه‌های نفوذشان را تعریف می‌کنند و سعی می‌کنند فعلا با هم تنشی نداشته باشند.

در دو سال اول ریاست‌جمهوری ترامپ تلاش شد روابطی شکل بگیرد اما این‌طور نشد. روسیه تبدیل به یک موضوع داخلی آمریکا هم شده که برای فشار بر ترامپ بین کنگره و کاخ سفید باب داده می‌شود. روسیه تلاش کرده تنش را در روابط با آمریکا به کم کند ولی در سال‌های گذشته به‌خصوص بعد از ملاقات‌هایی که در چین مناعت را نشان دادند، کنگره یک پکیج تحریم وضع کرده تا جلوی تعامل ترامپ را با روسیه بگیرد. بعد از آن هم با فاصله کوتاهی یک پکیج تحریم هم ترامپ علیه روسیه وضع کرد برای اینکه فشارهای داخلی در موضوع روسیه کاهش پیدا کند. این نوع گسترش روابط شکل خنده‌داری پیدا کرده بود. البته نکته مهمی هست که باید در نظر بگیریم؛ روسیه کشوری است که مایل به فعال‌بودن ساختار قدرت‌های بزرگ است؛ یعنی به سلسله‌مراتب حل‌وفصل مسائل دنیا توسط قدرت‌های بزرگ تمایل دارد. در این چارچوب هم چند ماه مانده پس‌گاهی پوتین اجلاس رؤسای کشورهای عضو اتحاد شورای امنیت را پیشنهاد کرد که با استقبال مواجه شد. اما تاریخی هم برای آن تعیین شد. این مکانیسم امکان تعامل و حضور بیشتر روسیه در عرصه بین‌الملل را می‌دهد. منتها این می‌تواند به این موضوع به عنوان یک ظرفیت نگاه کند؛ اینکه حضور روسیه در بین قدرت‌های بزرگ با روابط کنترل‌شده که با ایران دارد، می‌تواند یک مزیت برای ایران باشد و ایران می‌تواند از حضور روسیه و همچنین چین در این مکانیسم‌ها استفاده کند.

★ کفتید قرار نیست سیاست خارجی خودمان را رهاکنیم و مسئولیتمان را بر عهده کشورهای دوستمان بیندازیم. منظورتان این است که چه باید کنیم. با وضعیت سیاسی کنونی چه پیشنهادی می‌دهید؟

می‌توانیم چنین معادله‌ای ترسیم کنیم که با قدرت‌های بزرگ روابط تنش‌آلود داشته باشیم. با اروپا روابط متشنجی داشته باشیم. با کشورهای منطقه روابطمان عادی و حسنه باشد و به جرئین شرایطی انتظار داشته باشیم روسیه و چین بار ما را در عرصه‌های مختلف به دوش بکشند. چنین انتظاری نه واقع‌بینانه است نه به صلاح کشور ماست.

عرضم این است که ما باید به سیال‌بودن عرصه بین‌الملل وقوف داشته باشیم. اکنون بلوک‌بندی در عرصه بین‌الملل وجود ندارد. غرب دارای هژمونی بوده که اکنون رو به کاهش است. غرب به‌ویژه آمریکا با بحران‌های متعددی روبه‌رو هستند. این بحران‌ها هم در حل‌وفصل مسائل بین‌المللی پدیدار شده و هم در حل‌وفصل مسائل داخلی‌شان. نگاه کنید شکل مدیریت کرونا در بریتانیا و به‌خصوص آمریکا را. رهبران کنونی اروپا را رهبران ۵۰ سال قبل اروپا مقایسه کنید. در بسیاری کشورها در عرصه بین‌المللی دولت‌ها محبوبیتشان را از دست داده‌اند. منتها این سال‌بودن و برآمدن آسیا، چین، هند، روسیه و کشورهای دیگر به این معنی نیست که الزاما در جهان معاصر با بلوک‌بندی مواجه هستیم. فعلا بلوک‌بندی و قطب‌بندی نداریم. کمانم این است که برای کشورهایی مثل روسیه و ایران می‌تواند شرایط مساعدی برای رشد و ارتقا جایگاه باشد. روسیه از همین سیال‌بودن وضعیت نظام بین‌الملل استفاده کرده و در ۱۵ سال گذشته جایگاهش را ارتقا داده است. به‌عنوان نمونه‌چینی می‌گویم که باید همزمان با بیشبرد راهبردهایمان هزینه‌هایمان را نیز کاهش دهیم.

★ جمع‌بندی ساده خود از فرمایشات شما را این‌گونه می‌گویم که شما معتقدید برای بهبود رابطه حتی با کشورهای دوستی مثل روسیه و چین‌هم‌ما نیز ما‌ید که سطح تنشمان را با کشورهای بزرگ کاهش دهیم یا حل کنیم.

بله. سطح تنشمان را با کشورهای دیگر هرچه کاهش دهیم و همین‌طور هرچه عرصه‌های تنش را کاهش دهیم، هم می‌توانیم در حوزه‌هایی که حوزه‌های نفوذ ماست و دست بالا را داریم، کارمان را راحت‌تر پیش ببریم. هم اینکه دست دوستانمان را باز می‌گذاریم که در عرصه‌های بین‌المللی بتوانند راحت‌تر با ما همراهی و از ما حمایت کنند. الان یکی از مشکلات اساسی ما بحث‌های منطقه‌ای است. بخشی از فشارهای بین‌المللی که بر ما وارد می‌شود، به دلیل فشارها و تحریکاتی است که از منطقه و جهان اسلام انجام می‌شود. حفظ روابط گسترده با حوزه‌های شیعی پیرامونی‌مان باید همزمان با روابط عادی با کشورهای بزرگ مسلمان باشد. یکی از آنها کاهش تنش در رابطه با عربستان است. ما کشوری هستیم که تجربه طولانی در منطقه داریم؛ باید بتوانیم تعامل با این دو بعنی حوزه شیعی و مجموعه کشورهای مسلمان را به شکلی انجام دهیم که پشتوانه همدیگر باشند یا حداقل به هم آسیب نرسانند.

★ تا حالا این دو بخش پشتیبان هم بوده‌اند؟

هم است که این دو عمل هم به شکلی هماهنگ شوند که از دستاوردهای هم بهره‌برداری کنند. ایران یکی از معدود کشورهای جهان است که از قدرت معنوی و نرم قابل‌توجهی برخوردار است و به تعبیری در روابط بین‌الملل توان کقتمان‌سازی دارد. ما در عرصه شیعی دارای کقتمانی روشن هستیم، در زمینه تعریف و احیای شیعه در عرصه جهان اسلام و عرصه جهانی نیز باید کار بیشتری انجام دهیم.

★ به نظر می‌رسد آمریکا و روسیه با اهداف متفاوت سال‌ها داشته‌اند اما ناگهان دست به آن اهداف متفاوت بوده. مثلا ایران می‌خواسته به توافقی مثل برجام دست پیدا کند برای کاستن فشار تحریم، برای حساسیت‌زدایی نسبت به برنامه هسته‌ای‌اش و تغییر فضا از ایران‌هراسی و... اما مسکو در حمایت از برجام اهداف دیگری را دنبال می‌کرد. مثلا نگرانی از اینکه کشور دیگری این قدر نزدیک به او به توان هسته‌ای دست پیدا کند. به نظرتان می‌توان با این تفسیر به موضوع نگاه کرد یا نه.

در سیاست خارجی برای فعالیت مشترک دو کشور، اهداف مشترک، رویکردهای مشترک و منافع مشترک می‌توانند تمهیدکننده و یاری‌دهنده باشند. در روش‌ها و تاکتیک‌ها معمولا بازیکران انعطاف نشان می‌دهند. گاهی دیپلماسی دو کشور می‌توانند منافع مشترکی با هم تعریف کنند حتی بدون رویکردهای مشترک. در روابط ایران و روسیه خوشبختانه رویکردهای مشترک و گاهی اهداف مشترک نیز وجود دارند. اگر در دو عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای نگاه کنید، ایران و روسیه رویکردهای خیلی جدی مشابهی دارند. در عرصه بین‌المللی دو کشور، با یکجانبه‌گرایی و تک‌قطبی و استانداردهای دوگانه در عرصه حقوق بشر مخالف هستند. هر دو کشور با وجود اندکی تفاوت نگاه، مایل به تقویت سازمان ملل و استفاده از مکانیسم سازمان ملل در حل‌وفصل بحران‌ها و مسائل بین‌المللی هستند. در عرصه منطقه هم به مداخلهٔ آمریکا در منطقه، با صدور و تقویت دموکراسی از راه مداخله و با تضعیف و براندازی دولت‌ها مخالف بوده‌اند. بنابراین رابطه دو کشور بر سر سرمایه بزرگ دارد؛ رویکردهای مشترک دارند که برای روابط سرمایه کوچکی نیست. در کشورهای منطقه شاید هیچ دو کشوری به اندازه ایران و روسیه رویکردهای چهانی و منطقه‌ای‌شان با هم شباهت نداشته باشد که این امر امکان همکاری ایجاد می‌کند. اما تعریف منافع مشترکی هم عرصه خارج اهمیتی است. نباید از این فرامی داشته باشیم که کشوری مثل ما فکر نمی‌کند و منافع متفاوتی هم دارد. این طبیعت روابط بین‌الملل و اقتضای نظام جمعی جهانی است که هر دولتی منافع ملی کشور خودش را نمایندگی می‌کند و آن منافع ملی با تاریخ و جغرافیای آن که به شکلی تضمین ایران به این سطح ایران عرضه شده است. هستهای، در چارچوب سیاست خارجی روسیه است. اما در حوزه‌های غیرهسته‌ای اینکه روسیه با روابط استوارتری که با ایران دارد، تلاش کند یک بحران و معضل منطقه‌ای از طریق توافق حل شود نیز قابل فهم است چون روسیه به هیچ وجه مایل به تنش در کشورهای همسایه‌اش نیست. روسیه در حوزه متصل به اوراسیا علاقه‌مند نیست تنشی ایجاد شود چون بدون واسطه در همسایگی با مرزهای خودش است.

★ دوسال قبل وقتی ایران تصمیم گرفت تعهدات برجامی خود را در واکنش به آنچه دیگر شرکا در مورد برجام انجام داده بودند، کاهش دهد، آقای عراقچی در دیداری با دیپلمات‌های اروپایی این موضوع را اعلام کرد و آقای ظریف به مسکو رفتند و در مورد این موضوع با آقای لاوروف صحبت کردند. بالاخره قرار نبود کشورهای دوست بر سر کاهش تعهدات برنجند. اما از آن زمان مسکو و چین خیلی از تصمیم ایران درمورد کاهش تعهدات برجامی راضی به نظر نمی‌رسند. زمانی که شما سفیر بودید به شما ابراز نارضایتی در این زمینه کردند یا پیشنهاد دیگری برای حل مسئله به صورت دیپلماتیک می‌شد؟

روس‌ها در مورد اینکه ایران از برجام خارج شود، دغدغه داشتند. دوستانه از ایران می‌خواستند در برجام بماند. ولی درمورد کاهش تعهدات اعلام کردند یا وجود اینکه مایل نبودند کار به اینجا بکشد ولی با توجه به تحریم‌های یک‌جانبه، تصمیمات ایران را درک می‌کنند. تا اندازه‌ای به اروپایی‌ها امیدوار بودند و حتی ایران را برای مذاکره با اروپا تشویق می‌کردند که آن هم خیلی حاصلی نداشت. ممکن است در ضمیر ناخودآگاه طرف روس هم این بوده که یااخره ایران باید عکس‌العملی نشان دهد و این عکس‌العمل در حوزه NPT نباشد بهتر است. روس‌ها به صورت کلی پیگیر حل‌وفصل این‌گونه مشکلات از طریق مذاکره و دیپلماسی جندجانبه بودند ولی همزمان شاهد رفتار غیرمعمول و مخرب آمریکا در ارتباط با ایران و خودشان از فروپاشی برهاند. تلاش برای مذاکره با معارضین مسلح، ایجاد آتش‌بس و صلح در سوریه نیز در راستای همین همکاری و در چارچوب مذاکرات آستانه بی‌کرفته شد. اگرچه بخشی از این همکاری‌ها در قالب سیاه قدس ساماندهی می‌شد. اما بالاخره سفر بوقت آن قرار در پیچ‌وتاب آن قرار داشته و این تحولات همه در دوره شش‌ساله سفارت مهدی سنایی انجام شد. مهدی سنایی در مجلس هشتم و نهم نماینده شهرستان نهاوند بوده و عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، او از آکادمی علوم روسیه دکترای علوم سیاسی دارد، استاد دانشگاه تهران است و کروه مطالعات روسیه در دانشکده مطالعات جهانی این دانشگاه را نیز راه‌اندازی کرده که بر مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز متمرکز است. در دوره دیگری هم او سفارت ایران در روسیه رایزن بوده است. تقریبا می‌توان گفت در کمتر دوره‌ای از موضوع رابطه ایران و روسیه غافل بوده است. در کف‌کو و با او، به سطح کلان رابطه ایران و روسیه و نقدها و نگاه‌هایی که کارشناسان به این رابطه دارند، پرداختیم.

★ بازه زمانی که می‌شد برجام را راحت‌تر نجات داد، فاصله کرفته‌ایم و حالا که مسائل سیاسی‌تر شده، می‌توانید قضاوت‌تان را در این مورد بکویید که روس‌ها در آن بازه زمانی طلایی به عنوان یک عضو ۵+۱ تمام توان‌شان را برای حفظ برجام به کار کرفتند یا مسائل دیگر اجازه این کار را نداد؟ برخی دانشگاهیان معتقدند روسیه و چین نوعی بی‌عملی در این مورد نشان دادند. نکاه شما چیست؟

می‌توان از دو بعد نکاه کرد؛ یکی اینکه اصلا پرونده هسته‌ای، مسئله چین و روسیه نبود، مسئله ایران و آمریکا و تا اندازه کمی اروپا بوده است. در حل‌وفصل آن روسیه و چین مشارکت کردند تا اینکه این موضوع به شکل صلح‌آمیزی حل‌وفصل شود. می‌خواهم عرض کنم مسئله، مسئله چین و روسیه نیست. مسئله آمریکا و برخی از کشورهای اروپایی است. ضمن اینکه خروج آمریکا از برجام همراه شد با افزایش تنش در روابط روسیه و چین با آمریکا. روسیه تحت تحریم‌های مکرر آمریکا قرار کرفت و دستور کار روابط این دو کشور به صفر نزدیک شد. چین هم که تحت تحریم‌ها و درکیر تعرفه‌های تجاری است. اما چین و روسیه تشویق می‌کردند که ایران کفت‌وکو کند و امیدوار بودند که در همان چارچوب قبلی مسائل حل‌وفصل شوند. نکته دیکر اینکه روسیه از جهت موضع‌کیری سیاسی تمام‌قد در حمایت از ایران و برجام وارد شد. جند سال است کنفرانس‌های مطبوعاتی خانم زاخاروا در زمینه برجام و مسائل مرتبط با آن تفاوت زیادی با مواضع سخنکوی وزارت خارجه ایران ندارد؛ اما از نظر اقتصادی مکانیسم‌های اصلی اقتصادی و مالی بین‌المللی در اختیار آمریکا و تا اندازه‌ای اروپاست و برای همین از آنها برای وضع تحریم علیه خود روسیه و حتی چین هم استفاده کرده‌اند.

★ تاسیتان کذشته با تلاش آقای مکرون شاهد بودیم که حتی آقای ظریف را برای مذاکره به بیاریتز بردند. آقای مکرون خیلی تلاش کرد بتواند این موضوع را حل‌وفصل کند. وزن سیاسی آقای پوتین که از آقای مکرون کمتر نیست؛ ولی ندیدیم آقای پوتین در این سطح وارد شود. اشتباه می‌کنم؟

روسیه در روابطش با آمریکا دچار تنش است و هر کاری می‌کند به روابطش تنش بدهد، حاصل نمی‌شود. فرانسه در آمریکا به‌عنوان متحد دیده می‌شود. روسیه در چشم آمریکا تبدیل شده به دشمنی که بین کنکره و کاخ سفید آن را باس می‌دهند و هرکدام یک مجموعه تحریم علیه آن وضع می‌کنند. روسیه در سازوکار شورای امنیت حضور دارد و چند نوبت تلاش کرده از طریق این مسیر با ارائه طرح به تنشت سران ورود کند.

★ بیردازیم به بخش منطقه‌ای همکاری ایران و روسیه. اینکه ایران، روسیه و ترکیه بر سر یک موضوع منطقه‌ای با هم تصمیم می‌کیرند موضوعی را پیش ببرند. اهمیت استراتژیک دارد و اینکه جفد ادامه پیدا می‌کند در آینده مشخص خواهد بود؟ اما می‌خواهم از زاویه‌ای متفاوت نکاه کنم. به نظرتان نکاه و رویکرد ایران و روسیه برای ورود به سوریه مشابه هم بود؟ روسیه می‌خواهد مانع اجرای طرح خاورمیانه‌ای آمریکا شود. پس تمام‌قد در سوریه حضور پیدا می‌کند و با ایران مشارکت می‌کند و این منجر به قدرت‌کرفتن روسیه می‌شود. این امر جفدر با موضعی که ایران درباره منطقه دارد، مشابه است. آیا دو رویکرد متفاوت با هدف مشترک نیستند که کنار هم جمع شده‌اند؟

روسیه و ایران در بحث سوریه بسیار رویکردهای‌شان به هم نزدیک است که با بحث مورد مقابله با مداخله‌جویی در امور منطقه و مبارزه مشترک با تروریسم شده‌اند؛ یعنی وارد مقابله با دو تهدید مشترک شده‌اند.

★ بله، آنچه نمی‌خواهند بشود؛ ازجمله ساقط‌شدن دولت بشار اسد، بی‌دولت‌شدن سوریه و...

بله، مخالفت با مداخله کشورهای دیکر. مخالفت با سقوط دولت قانونی و... در مرحله اثباتی و ایجابی هم رویکردهای‌شان دولت قانونی و... در مرحله اثباتی و ایجابی هم دارد که بیش از اینکه به تفاوت نظر ایران و روسیه در موضوع خاص سوریه مرتبط باشد، به ویژکی‌های کلی منطقه‌ای و جهانی کشورهای ایران و روسیه برمی‌کردد. به دو مورد اشاره می‌کنم؛ یکی بحث اسرائیل در موضوع سوریه است که نکاه کاملا متفاوت با روسیه داریم. به‌طورکلی دو نکاه متفاوت است و روابط دوستانه روسیه و اسرائیل دلایل متعددی دارد. نکته دیکر اینکه روسیه در چارچوب همسان نکاهی که علاقه‌مند به حل‌وفصل مسائل و بحران‌های بین‌المللی از طریق قدرت‌های بزرک است. به چارچوب ژئو و رابطه با روسیه هم علاقه‌مند است؛ یعنی به بهره‌های نظامی‌ای که در سوریه به دست آورده، به دستاوردهای نظامی‌ای که در سوریه دارد، در کنار تنشت ژئو نکته می‌کند؛ یعنی علاقه‌مند است این را در کفت‌وکوهای سیاسی نشد کند. روسیه همزمان با پروژه نظامی حضور در سوریه

به صورت مشخص در پاسخ به این سؤال می‌توان کفت روسیه برای حمایت از حل‌وفصل پرونده هسته‌ای ایران و برجام می‌توانسته دلایل مختلفی داشته باشد. یکی اینکه وقتی ایران تصمیم به مذاکره در چارچوب برجام کرفت روسیه به عنوان کشور همکار ایران که در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای نیز با ایران همکاری داشته است، طبیعتا حیثیت و مساعدت کند. دیکر اینکه روسیه اصلا علاقه‌مند نیست به وقایت در منطقه دامن زده شود؛ یعنی اینکه کشورهای منطقه به اینجا برسند که از NPT خارج شوند. روسیه یکی از کشورهای امین NPT است و اینکه تلاش کند اوضاع‌نامه‌ای شکل بکیرد که به شکلی تضمین ایران به این سطح برسد علاقه‌مند است. هستهای، در چارچوب سیاست خارجی روسیه است. اما در حوزه‌های غیرهسته‌ای اینکه روسیه با روابط استوارتری که با ایران دارد، تلاش کند یک بحران و معضل منطقه‌ای از طریق توافق حل شود نیز قابل فهم است چون روسیه به هیچ وجه مایل به تنش در کشورهای همسایه‌اش نیست. روسیه در حوزه متصل به اوراسیا علاقه‌مند نیست تنشی ایجاد شود چون بدون واسطه در همسایگی با مرزهای خودش است.

★ دوسال قبل وقتی ایران تصمیم گرفت تعهدات برجامی خود را در واکنش به آنچه دیگر شرکا در مورد برجام انجام داده بودند، کاهش دهد، آقای عراقچی در دیداری با دیپلمات‌های اروپایی این موضوع را اعلام کرد و آقای ظریف به مسکو رفتند و در مورد این موضوع با آقای لاوروف صحبت کردند. بالاخره قرار نبود کشورهای دوست بر سر کاهش تعهدات برنجند. اما از آن زمان مسکو و چین خیلی از تصمیم ایران درمورد کاهش تعهدات برجامی راضی به نظر نمی‌رسند. زمانی که شما سفیر بودید به شما ابراز نارضایتی در این زمینه کردند یا پیشنهاد دیگری برای حل مسئله به صورت دیپلماتیک می‌شد؟

روس‌ها در مورد اینکه ایران از برجام خارج شود، دغدغه داشتند. دوستانه از ایران می‌خواستند در برجام بماند. ولی درمورد کاهش تعهدات اعلام کردند یا وجود اینکه مایل نبودند کار به اینجا بکشد ولی با توجه به تحریم‌های یک‌جانبه، تصمیمات ایران را درک می‌کنند. تا اندازه‌ای به اروپایی‌ها امیدوار بودند و حتی ایران را برای مذاکره با اروپا تشویق می‌کردند که آن هم خیلی حاصلی نداشت. ممکن است در ضمیر ناخودآگاه طرف روس هم این بوده که یااخره ایران باید عکس‌العملی نشان دهد و این عکس‌العمل در حوزه NPT نباشد بهتر است. روس‌ها به صورت کلی پیگیر حل‌وفصل این‌گونه مشکلات از طریق مذاکره و دیپلماسی جندجانبه بودند ولی همزمان شاهد رفتار غیرمعمول و مخرب آمریکا در ارتباط با ایران و خودشان

★ بیردازیم به بخش منطقه‌ای همکاری ایران و روسیه. اینکه ایران، روسیه و ترکیه بر سر یک موضوع منطقه‌ای با هم تصمیم می‌کیرند موضوعی را پیش ببرند. اهمیت استراتژیک دارد و اینکه جفد ادامه پیدا می‌کند در آینده مشخص خواهد بود؟ اما می‌خواهم از زاویه‌ای متفاوت نکاه کنم. به نظرتان نکاه و رویکرد ایران و روسیه برای ورود به سوریه مشابه هم بود؟ روسیه می‌خواهد مانع اجرای طرح خاورمیانه‌ای آمریکا شود. پس تمام‌قد در سوریه حضور پیدا می‌کند و با ایران مشارکت می‌کند و این منجر به قدرت‌کرفتن روسیه می‌شود. این امر جفدر با موضعی که ایران درباره منطقه دارد، مشابه است. آیا دو رویکرد متفاوت با هدف مشترک نیستند که کنار هم جمع شده‌اند؟

روسیه و ایران در بحث سوریه بسیار رویکردهای‌شان به هم نزدیک است که با بحث مورد مقابله با مداخله‌جویی در امور منطقه و مبارزه مشترک با تروریسم شده‌اند؛ یعنی وارد مقابله با دو تهدید مشترک شده‌اند.

★ بله، آنچه نمی‌خواهند بشود؛ ازجمله ساقط‌شدن دولت بشار اسد، بی‌دولت‌شدن سوریه و...

بله، مخالفت با مداخله کشورهای دیکر. مخالفت با سقوط دولت قانونی و... در مرحله اثباتی و ایجابی هم رویکردهای‌شان دارد. کسترش و توسعه مستمر روابط ایران با آلمان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی باعث کسترش روابط ایران و اتحادیه اروپا در همه حوزه‌ها خواهد شد که این می‌تواند باعث بالارفتن حیطه عملیاتی ایران در منطقه و افزایش جایگاه سیاسی ایران در نظام بین‌الملل شود.

دریک نکاه کلی، آلمان، یک کشور مدرن صنعتی با زیرساخت‌های اقتصادی مطمئن است. وجود شرکت‌های پیشرفته‌ای مانند:

- شرکت‌های ماشین‌سازی Volk-, Benz, Skoda BMW, Audi, Wagen,
- شرکت‌های کشتی‌سازی Hamburg Süd, Lürssen Fassmer, Blohm+Voss, Meyer Werft,
- شرکت‌های الکتریسیته Siemens, Deutsche Telkom, Bosch, Braun,
- شرکت‌های شیمیایی BAS